

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۳۸ - ۲۱۷

معیار تشخیص جنون در فقه فریقین و تفاسیر قرآنی

فاطمه زارعی^۱

چکیده

امروزه در حقوق کیفری، موضوع مسؤلیت فرد به دلیل وضعیت عقلی از اهمیت خاصی برخوردار می باشد. یکی از مسائل مهم، تعریف و تشخیص مجنون و تأثیر آن بر مسؤلیت کیفری است. مجنون در فقه و حقوق به کسی اطلاق می شود که فاقد تشخیص نفع و ضرر و حسن و قبح است. این پژوهش با هدف بررسی معیار تشخیص جنون در فقه فریقین و تفاسیر قرآنی انجام گردید. در این تحقیق از روش تحقیق توصیفی تحلیلی استفاده شده است. یافته های تحقیق نشان داد که در فقه فریقین مفهوم جنون مشابه هم است و به معنای اختلال در عقل و ادراک می باشد و مسؤلیت حقوقی و کیفری خاصی ندارد. در بین فقهای اهل سنت بر اساس آیات و احادیث، عقل شرط اساسی در مسؤلیت است و فقدان آن به دلیل جنون، معافیت ایجاد می کند. این رویکرد به عدالت و انسانیت در نظام قضایی کمک می کند. در میان فقهای شیعه نیز بر معافیت مجنون از مجازات تأکید دارد. درباره ی نحوی تشخیص جنون نیز در فقه فریقین می بایست توسط متخصصان روانپزشکی و کارشناسان و بر اساس ارزیابی های علمی انجام شود. همچنین در ادبیات اسلامی و فرهنگ قرآنی با بیماری هایی مواجه هستیم که از آن به بیماری جنون یاد می شود چنانچه حرام خواری و رباخواری شرایط مساعدی برای جنون است برای جنون نشانه هایی است که افسردگی یکی از آن هاست. در مورد تفسیر احکام جنون در قرآن املای اسناد دین و قراردادهای اقتصادی از سوی دیوانه، فاقد اعتبار لازم است.

واژگان کلیدی

جنون، فقه فریقین، تفاسیر قرآنی.

۱. گروه معارف، واحد صفاشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، صفاشهر، ایران.

طرح مسأله

جنون از اصطلاحات علم حقوق بوده و به معنای حالتی است که در آن توانایی اندیشیدن و استنتاج از جمع و ترکیب معلومات و در نتیجه اراده وجود ندارد (گودرزی، ۱۳۸۰: ۳۹۶). برخی از تعریف‌های ارائه شده از جنون در آثار حقوقی، تا حدودی مبهم است، مانند آنکه مجنون کسی است که تعادل روحی خود را از دست داده باشد (امامی، ۱۳۷۳: ۲۱۰). هرچند در قانون مدنی تعریفی از جنون به عمل نیآورده است، اما مجنون در فقه و حقوق به کسی اطلاق می‌شود که فاقد تشخیص نفع و ضرر و حسن و قبح است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۶۲۱). به عبارت دیگر به کسی که فاقد قوه درک و شعور بوده، و دارای اختلال در قوه دماغی می‌باشد، مجنون گویند (ارشدی، ۱۳۸۴: ۲۶۵).

همچنین در برخی اسناد حدیث رفع قلم به جای واژه مجنون واژه معتوه آمده است (میر سعیدی، ۱۳۹۰: ۱۲۱). در برخی روایات دیگر نیز این واژه مشمول آثار کیفری مشابه با جنون است. در این روایات گاه معتوه در کنار مجنون و گاه مستقل از آن ذکر شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸: ۳۸۸). در روایتی از امام صادق (ع) قتل عمدی که معتوه مرتکب آن شده، در حکم خطای محض قرار گرفته است که دیه آن به عهده عاقله است (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۴۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹: ۳۰۷). معتوه اگر چه از حکمی یکسان با مجنون بر خوردار است، اما از نظر مفهوم و مصداق متفاوت با آن است. این واژه در لغت به ناقص العقل و ذاهب العقل (جمعی از مؤلفان، بیتا، ج ۴: ۵۸).

به گفته کاتوزیان، بحث درباره ضایعات مغزی و آثار اندوه و اعتیادها و بیماری‌های ناشی از آن، در قلمرو علم حقوق نیست؛ از این رو، شماری از منابع حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ملاک‌های شناسایی مجنون و تقسیمات جنون و مسائل مرتبط با بیماری‌های روانی را به دانش پزشکی ارجاع داده‌اند (قضایی، ۱۳۶۶: ۲۷۴). برخی حقوق‌دانان متاخر کوشیده‌اند جنون و مجنون را به‌طور کاربردی و دقیق تعریف کنند، از جمله گفته‌اند مجنون کسی است که توانایی اندیشیدن و استنتاج از جمع و ترکیب معلومات را ندارد و از این رو فاقد اراده است و کارهای او منشا ارادی ندارد؛ اما ظاهراً این گونه تعریف‌ها متأثر از

تحلیل‌های روان‌پزشکان درباره آسیب‌های مغزی است (شهیدی، ۱۳۷۷: ۲۵۹). با پیدایش دیدگاه جدید در روان‌پزشکی، که جنون یا روان‌پریشی را بیماری وخیم روانی می‌داند که به واسطه آن جریان اندیشه و رفتار و کردار و احساس، غیرعادی می‌شود و بیمار معمولاً دارای نشانه‌هایی چون از دست دادن ارتباط با واقعیت، اختلال درک، سلوک کودکانه، کاهش نیروی مهارکننده محرک‌ها و تمایلات اولیه و ابتلا به انواع هذیان‌ها و توهمات است (گودرزی، ۱۳۷۷: ۱۶۱۰).

بیشتر آثار حقوقی نیز مفهوم آن را بدیهی تلقی کرده و بدون تعریف دقیق این بیماری، به بیان احکام مترتب بر آن پرداخته‌اند (حائری، ۱۳۷۶: ۱۷۵).

در حقوق کیفری، موضوع مسئولیت فرد به دلیل اختلالات روانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از مسائل کلیدی، تعریف و تشخیص مجنون و تأثیر آن بر مسئولیت کیفری است. جنون را باید حالت فقدان عقل تعریف نمود (میرکمالی و صالح احمدی، ۱۴۰۰). البته جنون، مفهومی است که بیشتر جنبه حقوقی و قضایی دارد تا روان‌پزشکی و به همین دلیل عده‌ای عقیده دارند که مفهوم جنون، عرفی است و تشخیص آن به عهده قاضی است. جنون از اسباب شخصی رافع مسئولیت کیفری است و فقط در حق مجنون مؤثر است و از شرکا و معاونان آن جرم که از سلامت عقلی برخوردار بوده‌اند، رفع مسئولیت نمی‌کند و تعقیب آنان بر خلاف متهم مجنون، ممنوع نیست. همچنین با اثبات اینکه جرم در حالت جنون رخ داده، هرچند بعداً فرد مجنون به حال آفاقه برگشته باشد، مسئولیت کیفری از عهده وی برداشته خواهد شد و در این مورد فرقی میان حدود و قصاص و تعزیرات نیست (اردبیلی، ۱۳۸۹). پر واضح است در مورد مشمولین عوامل رافع مسئولیت کیفری، در صورت احراز دادگاه، حکم برائت صادر می‌شود و دیگر نیازی به استناد به معاذیر قانونی وجود ندارد، درحالی که به‌طور کلی استناد به معاذیر قانونی برای معافیت متهم از مجازات، پس از احراز تقصیر متهم و با نظر دادگاه به عمل می‌آید (گلدوزیان، ۱۳۸۹).

گفتنی است عده‌ای از حقوق‌دانان معتقدند نباید جنون به عنوان یکی از علل رافع مسئولیت معرفی شود، زیرا اگر وضعیت دماغی نابسامان فرد شدید باشد، به دلیل عدم

وجود رکن روانی یا سوء نیت لازم، طبعاً فرد تبرئه خواهد شد و نیاز به عامل دیگر نیست، لیکن اگر جنون تا این حد شدید نباشد، اما رابطه ای میان بیماری دماغی و ارتکاب جرم وجود داشته باشد، مسلماً رابطه محکم تری بین شرایط بد اجتماعی و رفتار مجرمانه وجود دارد که شخص را بیش از بیماری روانی بسوی ارتکاب جرم می‌کشاند، پس چرا دفاع جنون وجود داشته باشد، اما دفاع شرایط بد اجتماعی وجود نداشته باشد لذا در این موارد فرد باید مانند سایرین محاکمه شود لکن در اعمال مجازات، بیماری او در نظر گرفته و از کیفیات مخففه استفاده شود (صادقی، ۱۴۰۰). در هر صورت در زمان حاضر، جنون به شرط تقارن و تلازم با جرم، رافع مسئولیت کیفری مجنون خواهد بود (حجتی و باری، ۱۳۸۹).

در یک جمع بندی مجنون به فردی اطلاق می‌شود که به دلیل اختلالات روانی، توانایی درک عواقب اعمال خود را ندارد. بر اساس قانون، این افراد نمی‌توانند به عنوان مجرم شناخته شوند.

- **قانون مجازات اسلامی ماده ۱۴۹:** مجنون از لحاظ کیفری مسئولیت ندارد. این ماده نشان‌دهنده رویکرد قانون‌گذار به مسئله جنون و مسئولیت کیفری است.

- **تشخیص جنون:** تشخیص وضعیت روانی فرد باید توسط روانپزشکان انجام شود. ارزیابی‌های دقیق و استفاده از تست‌های استاندارد در این زمینه ضروری است.

- **تأثیر بر مجازات:** فرد مجنون به جای مجازات کیفری، ممکن است تحت درمان‌های روانی قرار گیرد. هدف از این اقدامات، بهبود وضعیت روانی و جلوگیری از خطرات احتمالی است.

- **مقامات قضایی:** قضات با توجه به نظر کارشناسان روانپزشکی، تصمیم می‌گیرند که آیا فرد مجنون است و به چه نوع درمانی نیاز دارد. مسئولیت کیفری مجنون در حقوق ایران به وضوح مشخص شده است و تأکید بر درمان به جای مجازات نشان‌دهنده توجه به مسائل انسانی و اجتماعی است.

انواع جنون

۱- زمان ابتلا به جنون

در این تقسیم‌بندی، مجنون را به اعتبار زمان ابتلا به جنون، به دو گروه تقسیم کرده‌اند: مجنونی که جنون او متصل به دوران صغر است و مجنونی که جنون او متصل به ایام صغر نیست. به این تقسیم‌بندی در ماده ۱۲۱۸ قانون مدنی اشاره شده است. هر دو قسم ذکر شده محجورند و کلیه تصرفات و اعمال حقوقی آنان باطل است؛ اما مجنونی که جنون او متصل به دوران صغر است، طبق بند ۲ و ۳ ماده ۱۲۱۸ قانون مدنی، چنانچه ولی خاص داشته باشد، به قیم احتیاجی ندارد و سرپرستی او با ولی خاص است. اما قسم دوم که جنون او بعد از صغر حاصل شده است، تعیین قیم برای او ضروری است، هر چند دارای پدر و جد پدری باشد (صفائی، ۱۳۸۲: ۲۵۳).

۲- استمرار جنون

الف) مجنون دائمی: به کسی گویند که وضعیت جنون او همیشگی است و در تمام مدت عمر، از نعمت عقل بی‌بهره است. چنین شخصی اهلیت اعمال هیچ حقی از حقوق خود را ندارد و تمام معاملات او، اعم از معوض و غیرمعوض و مالی و غیرمالی، باطل است (باریکلو، ۱۳۸۷: ۱۷۰).

ماده ۱۲۱۳ قانون مدنی نیز، مقرر داشته که مجنون دائمی مطلقاً نمی‌تواند هیچ تصرفی در اموال و حقوق مالی خود، ولو با اجازه ولی یا قیم خود، بنماید.

۳- جنون ادواری

جنون ادواری به کسی گویند که در قسمتی از سال مبتلا به جنون است، ولی در قسمتی دیگر در سلامت عقلی به سر می‌برد. چنین شخصی، در حالت جنون، فاقد اهلیت استیفا است و نمی‌تواند حقی از حقوق خود را استیفا نماید. ولی در حالت سلامت عقل، اگر از سایر جهات مانعی نباشد، دارای اهلیت است و معاملات او در این حالت نافذ است (باریکلو، ۱۳۸۷: ۱۷۱).

ماده ۱۲۱۳ قانون مدنی در این باره مقرر می‌دارد که مجنون ادواری در حال جنون نمی‌تواند تصرف در اموال خود بنماید.

مسئولیت مدنی جنون

قانون مدنی در ماده ۱۲۱۱ به تبعیت از نظر مشهور فقها بیان می‌دارد: جنون به هر درجه که باشد، موجب حجر است. از آنجا که مجانین را نمی‌توان بی‌پناه و بدون حامی در اجتماع رها کرد، قانون‌گذار در ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی، آنها را از تصرف در اموال و حقوق مالی خود محروم ساخته، تا کسی نتواند از آنها سوءاستفاده کند. همچنین در ماده ۱۲۱۷ همان قانون، اداره اموال مجانین بر عهده ولی یا قیم آنان گذاشته شده است. مجنون مانند سایر محجورین، دارای مسئولیت مدنی است. اصولاً حجر مربوط به اعمال حقوقی است و افعال مادی زیان‌آور محجورین را شامل نمی‌شود، چراکه در باب ضمان، قصد و اراده شرط نیست (صفائی، ۱۳۸۲: ۲۵۶).

بنابراین حتی اگر کسی در خواب هم مال دیگری را تلف کند، ضامن است. از طرف دیگر، احکام وضعی برخلاف احکام تکلیفی، مخصوص بالغ و عاقل نیست، بلکه عام است و شامل هر دو می‌شود. ضمان و مسئولیت مدنی هم از احکام وضعی است، لذا در این زمینه فرقی بین صغیر ممیز و غیر ممیز و مجنون و عاقل نیست. در مورد مسئولیت مدنی مجنون سه فرض قابل تصور است: حالت اول این است که مجنون، زبانی به فرد وارد کرده است، درحالی که یا سرپرستی نداشته یا سرپرست او مرتکب تقصیری در نگهداری و مواظبت از او نشده است و از طرفی خود آن فرد، مال را به تصرف مجنون نداده است. این فرض از مصادیق ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی است که مقرر می‌دارد: «هرگاه صغیر یا مجنون باعث ضرر شود، ضامن است.» بنابراین ضرر وارده، از مال مجنون جبران خواهد شد. اما چنانچه مجنون، مالی برای جبران خسارت نداشته باشد، حق زیان‌دیده از بین نمی‌رود؛ بلکه هرگاه مجنون استطاعت پیدا کرد، زیان‌دیده می‌تواند برای استیفای حقوق خود اقدام کند (مدنی، ۱۳۸۵: ۲۹۳).

در فرض دوم، زیان‌دیده خود مالش را به تصرف مجنون داده است و مجنون آن را ناقص یا تلف کرده است. این حالت از مصادیق ماده ۱۲۱۵ قانون مدنی است که اذعان می‌دارد: «هرگاه کسی مالی را به تصرف... مجنون بدهد، صغیر یا مجنون مسئول ناقص یا تلف شدن آن مال نخواهد بود.» دلیل این عدم مسئولیت، این است که در این موارد مالک

با به تصرف دادن مال خود به دست مجنون، به ضرر خود اقدام نموده و سبب اقوی از مباشر است (ارشدی، ۱۳۸۴: ۲۷۰).

حالت دیگری که آن را می‌توان زیرمجموعه فرض دوم به حساب آورد این است که زیان دیده خود با تحریک مجنون به واسطه بدگویی یا مسخره کردن، مسبب ورود زیان به مال خود شده است. در اینجا هم چون سبب اقوی از مباشر است، نمی‌توان تقصیر را متوجه مجنون یا سرپرست او دانست.

فرض سوم این است که مجنون، مرتکب فعلی شده که به دیگری زیان وارد کرده است، اما او سرپرستی داشته که قانونا یا بر حسب قرارداد مسئولیت نگهداری از مجنون را به عهده داشته است؛ اما در نگهداری از او مرتکب تقصیر شده است. در این فرض که از مصادیق ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی می‌باشد، در درجه اول، ولی یا قیم یا سرپرست قراردادی مجنون، مسئول جبران زیان وارده خواهد بود؛ این تحمیل مسئولیت به دلیل اقوی بودن سبب از مباشر است. ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی: کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانونا یا بر حسب قرارداد به عهده او می‌باشد در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون و یا صغیر می‌باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد از مال مجنون یا صغیر زیان جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران کننده نباشد. اما طبق همین ماده در صورتی که سرپرست او توانایی مالی جبران خسارت وارده را نداشته باشد، از مال مجنون تمام یا قسمتی از خسارت بر حسب مورد پرداخت می‌شود (مدنی، ۱۳۸۵: ۲۹۳).

فروض مختلف ابتلا به جنون

احراز جنون قبل از ارتکاب جرم: در فرض احراز جنون متهم قبل از جرم، باید آن را برای زمان پس از جرم نیز استصحاب کرد (سلطانی، ۱۳۹۱).

جنون مقارن با ارتکاب جرم: جنون مقارن با ارتکاب جرم، موجب عدم اجرای کیفر می‌گردد و عمل فرد، مسئولیت جزایی مبتنی بر تقصیر است (گلدوزیان، ۱۳۸۹).

ابتلا به جنون پس از وقوع جرم و پیش از دادرسی: هرگاه متهم در حین ارتکاب جرم،

از لحاظ روانی سالم باشد و پس از وقوع جرم و پیش از دادرسی، مبتلا به جنون شود، رسیدگی به اتهام او متوقف می‌شود، زیرا تحقیق از کسی که از سلامت عقل برخوردار نیست با موازینی مثل بازپرسی عادلانه و حفظ حقوق متهم، سازگار نیست، این توقف در رسیدگی تا رفع جنون ادامه خواهد داشت (اردبیلی، ۱۳۸۹).

ابتلا به جنون پس از محکومیت کیفری: در قانون: مطابق ماده ۵۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری: هرگاه محکوم علیه در جرائم تعزیری، پس از صدور حکم قطعی، مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، اجرای حکم به تعویق می‌افتد؛ مگر در مورد مجازات‌های مالی که از اموال محکوم علیه وصول می‌شود.

تبصره: محکوم به حبس یا کسی که به علت عدم پرداخت جزای نقدی در حبس به سر می‌برد، در صورت جنون تا بهبودی در بیمارستان روانی یا مکان مناسب دیگری نگهداری می‌شود. این ایام جزء مدت محکومیت وی محاسبه می‌شود.

مبنای حکم: صدور حکم به مجازات شخصی که در زمان ارتکاب جرم و در زمان رسیدگی و محاکمه عاقل بوده است بدون اشکال است، اما اگر شخصی پس از صدور حکم و قطعیت آن دچار جنون شود، در واقع نمی‌تواند علتی برای مجازاتش بیابد و اجرای مجازات بر چنین شخصی، فاقد اثر اصلاحی خواهد بود (خالقی، ۱۳۹۰). اجرای حکم جزای نقدی از این حیث که به منزله‌ی حقی برای جامعه است و متعلق آن نیز اموال محکوم علیه می‌باشد، قابل توجیه است (سلطانی، ۱۳۹۱).

قلمرو حکم: حکم تعویق مجازات در این ماده، جایی است که فرد قبل از ورود به زندان دچار جنون شود و در صورتی که فرد پس از ورود به زندان دچار جنون شود، به بیمارستان یا مکان مناسب دیگر منتقل و مدت نگهداری او جزئی از دوران محکومیت او محاسبه خواهد شد (خالقی، ۱۳۹۳).

حکم این ماده، در خصوص جنون ادواری است و در مورد جنون اطلاق یا دائمی، قانونگذار حکمی بیان نکرده است (گلدوست جویباری، ۱۳۹۳).

در این ماده، جرائم تعزیری به صورت مطلق، تا زمان افاقه محکوم علیه موجب تعویق اجرای مجازات شناخته شده‌اند و مجازات‌های مالی از این حیث که ناظر بر اموال محکوم

علیه هستند استثنائاً به اجرا گذارده خواهند شد (خالقی، ۱۳۹۳).

طبق نظری استثنا کردن جزای نقدی از حکم ماده با اشکال مواجه است. با این استدلال که از آن جایی که یکی از اهداف مجازات تنبیه مجرم است پس چگونه می‌توان از فردی که پس از صدور حکم دچار جنون شده توقع داشت با اجرای مجازات متنبه گردد و دیگر مرتکب جرم نشود، بهتر بود که این مجازات نیز همانند سایر مجازات تعزیری تا حصول افاقه به تأخیر می‌افتادند (یوسفی، ۱۳۹۳).

در مورد جنون پس از محکومیت کیفری باید گفت (پس از رسیدگی و صدور حکم مبتنی بر اعدام) هر چند فرد در حین رسیدگی دادگاه، آگاه بوده باشد، مجازات اعدام به دلیل ممنوعیت اجرای کیفر در حین جنون، تا رفع حالت جنون درباره ی فرد اجرا نمی‌شود، در مقابل مجازات های مالی و محرومیت های اجتماعی قابلیت اعمال دارند (گلدوزیان، ۱۳۸۹).

مسئولیت کیفری

امروزه در قوانین حقوقی و جزایی ایران مقرراتی درباره جنون ذکر شده، اما خود جنون در هیچ ماده قانونی تعریف نشده است (زراعت، ۱۳۸۳: ۱۷۱). احراز جنون توسط دادگاه صورت می‌گیرد!

قانونگذار در بخش چهارم قانون مجازات اسلامی به موضوع شرایط و موانع مسئولیت کیفری پرداخته است. بر اساس ماده ی ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی:

مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق می‌شود که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد به جز در مورد اکراه بر قتل که حکم آن در کتاب سوم «قصاص» آمده است. در فصل دوم بخش چهارم کتاب قانون مجازات اسلامی موضوع موانع مسئولیت کیفری مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. با توجه به ماده ی ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی: افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که نابالغ دیوانه و مجنون نیز از مسئولیت کیفری مبرا است.

ماده ی ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی را می توان به عنوان مهم ترین قانون در رابطه با مجازات و مسئولیت کیفری فرد مجنون به حساب آورد. بر اساس این ماده : هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمییز باشد مجنون محسوب می شود و مسئولیت کیفری ندارد.

بر اساس ماده ی ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی هرگاه مرتکب جرم در حین ارتکاب، مجنون باشد یا در جرائم موجب تعزیر پس از وقوع جرم مبتلا به جنون شود چنانچه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص، ثابت و آزاد بودن وی محل نظم و امنیت عمومی باشد به دستور دادستان تا رفع حالت خطرناک در محل مناسب نگهداری می شود. شخص نگهداری شده یا خویشاوندان او می توانند در دادگاه به این دستور اعتراض کنند که در این صورت، دادگاه با حضور معترض، موضوع را با جلب نظر کارشناس در جلسه اداری رسیدگی می کند و با تشخیص رفع حالت خطرناک در مورد خاتمه اقدام تأمینی و در غیراین صورت در تأیید دستور دادستان، حکم صادر می نماید. این حکم قطعی است ولی شخص نگهداری شده یا خویشاوندان وی، چنانچه علائم بهبود را مشاهده نمودند حق اعتراض به این حکم را دارند. همچنین هرگاه بنا به تشخیص متخصص بیماری های روانی، مرتکب، درمان شده باشد برحسب پیشنهاد مدیر محل نگهداری او دادستان دستور خاتمه اقدام تأمینی را صادر خواهد کرد.

تبصره ۱: هرگاه مرتکب یکی از جرائم موجب حد پس از صدور حکم قطعی دچار جنون شود حد ساقط نمی شود. در صورت عارض شدن جنون قبل از صدور حکم قطعی در حدودی که جنبه حق الهی دارد تعقیب و محاکمه تا زمان افاقه به تأخیر می افتد. نسبت به مجازات هایی که جنبه حق الناسی دارد مانند: قصاص، دیه و همچنین ضرر و زیان ناشی از جرم، جنون مانع از تعقیب و رسیدگی نیست.

تبصره ۲: قوه قضاییه موظف است مراکز اقدام تأمینی را در هر حوزه قضایی برای نگهداری افراد موضوع این ماده تهیه نماید. تا زمان شروع به کار این اماکن، قسمتی از مراکز روان درمانی بهزیستی یا بیمارستانی موجود به این افراد اختصاص داده می شود.

در مورد مسئولیت کیفری مجانین، ماده ۵۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ اشعار

می‌دارد: «جنون در حال ارتکاب جرم، به هر درجه که باشد، رافع مسئولیت کیفری است.» مجنونی که مرتکب جرم شده است بر اساس تبصره این ماده، چنانچه تادیب در موردش مؤثر باشد با حکم دادگاه تادیب می‌شود. شرط رفع مسئولیت کیفری مجنون ادواری، طبق تبصره دو این ماده، جنون در حال ارتکاب جرم است (حجتی اشرفی، ۱۳۷۹).

شماری از حقوق‌دانان پیشنهاد کرده‌اند که تشخیص مصداق جنون برعهده کارشناس امور پزشکی و روان‌پزشکی گذاشته شود و در موارد تردید، دادگاه تصمیم نهایی را بگیرد. در برابر، پیشنهاد دیگر این است که احراز جنون همواره با دادگاه باشد (گودرزی، ۱۳۷۷: ۱۶۱۰). با این همه، در فقه و حقوق تعیین مصداق جنون، بیشتر مبتنی بر ضوابط عرفی است تا معیارهای پزشکی. به همین دلیل، گاهی در دادرسی‌های کیفری، پزشکان متهمی را دیوانه می‌دانند، ولی دادگاه او را مسئول می‌شمارد (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۳۸). مثلاً ممکن است روان‌شناسان بیمارانی را که به یاس شدید، وسواس بی‌حد و اندازه، عارضه غش و بیهوشی دچار می‌شوند، مسئول رفتار خود نشناسند، ولی از دیدگاه حقوقی این‌گونه اختلالات روانی رافع مسئولیت‌های کیفری نباشد (بوشهری، ۱۳۷۹: ۵۲).

جنون از دیدگاه متفکران اهل سنت

تعریف جنون از نظر فقه اهل سنت: جنون به‌عنوان یک اختلال عقلانی شناخته می‌شود که فرد را از درک عواقب اعمالش محروم می‌کند. در این حالت، فرد قادر به تشخیص حق از باطل و خوب از بد نیست. اهل سنت به این تعریف متفق‌القول هستند.

- **مسئولیت کیفری:** فقه اهل سنت به‌طور کلی بر این باور است که:

- **عدم مسئولیت:** فرد مجنون به دلیل ناتوانی در درک و تشخیص، مسئولیت کیفری

ندارد. این اصل در اکثر کتب فقهی معتبر ذکر شده است.

- **مراجع فقهی:** متفکرانی چون ابن حنبل، ابن رشد و ابن قدامه بر این نکته تأکید

دارند که جنون موجب معافیت از مجازات می‌شود. ابن حنبل: در نظرات خود بر این نکته تأکید دارد که جنون مانع از فهم و تشخیص است و بنابراین فرد مجنون نمی‌تواند به عنوان مجرم شناخته شود.

- **ابن قدامه:** در کتاب المغنی به تفصیل به این موضوع پرداخته و تأکید می‌کند که

جنون باعث معافیت از مجازات می‌شود.

نظریه‌های فقهی اهل سنت

- **نظریه عقل:** اهل سنت بر این باورند که عقل شرط اصلی مسؤولیت است. از این رو، اگر فردی دچار جنون باشد، نمی‌تواند از نظر شرعی به عنوان مجرم شناخته شود.
- **استناد به آیات و احادیث:** فقیهان به آیات قرآن و احادیثی که به اهمیت عقل و درک تأکید دارند، استناد می‌کنند. برای مثال، حدیثی از پیامبر (ص) که می‌فرماید: قلم از سه گروه برداشته شده است: از دیوانه تا زمانی که به هوش بیاید.
- **تشخیص جنون:** تشخیص جنون باید توسط متخصصان روانپزشکی صورت گیرد.
- اهل سنت به این نکته تأکید دارند که قضاوت درباره جنون نباید تنها بر مبنای احساسات یا شایعات باشد بلکه باید بر اساس ارزیابی‌های علمی باشد.

جنون و مجازات

- **جایگزینی درمان:** اگر فرد مجنون مرتکب جرمی شود، معمولاً به جای مجازات، تحت درمان‌های روانی قرار می‌گیرد. این رویکرد به عدالت اجتماعی و انسانی در نظام قضایی کمک می‌کند.
- **مراقبت و درمان:** برخی از فقیهان پیشنهاد می‌کنند که افراد دچار جنون باید در مراکز درمانی قرار گیرند تا از خطرات احتمالی جلوگیری شود. در یک جمع بندی می‌توان گفت که نظرات اهل سنت درباره جنون و مسؤولیت کیفری نشان‌دهنده توجه به عدالت و انسانیت در نظام حقوقی اسلامی است. این رویکرد بر اهمیت تشخیص دقیق وضعیت روانی افراد و معافیت آن‌ها از مجازات تأکید دارد.
- در توضیح موارد فوق وارد متعددی در فقهای اهل سنت می‌توان یافت برخی از اهل سنت، قصاص شدن مجنون را در حال جنون، مطلقاً جایز ندانسته‌اند و برخی از آنان تفصیل داده و گفته‌اند: اگر هنگامی که قاتل را برای قصاص می‌برند، دیوانه گردد، قصاص می‌شود و اگر قبل از آن دیوانه گردد، قصاص نمی‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۲، ۴۶۸). ابن قدامه در المغنی می‌گوید: فصل: هرگاه کسی در حالی که عاقل است، شخصی

را بکشد و پس از آن دیوانه گردد، قصاص از او ساقط نمی شود، خواه با بیّنه ثابت شده باشد و خواه با اقرار؛ چرا که رجوع وی از اقرار پذیرفته نیست و او در حال جنون قصاص می شود. هرگاه به سبب اقرار، حد بر او ثابت شود و پس از آن دیوانه گردد، در حال جنون حد بر وی جاری نمی شود؛ چون رجوع وی پذیرفته است، بنابر این احتمال می رود که اگر دیوانه نبود، از اقرارش رجوع می کرد.

محمد بن یعقوب، عن محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد بن علی بن إبراهیم، عن أبيه، جميعاً عن ابن محبوب، عن خضر الصیرفی، عن برید بن معاویه العجلی، قال: سئل أبو جعفر (ع) عن رجل قتل رجلاً عمداً، فلم یقم علیه الحد و لم تصح الشهادهُ علیه حتی خولط و ذهب عقله، ثم انّ قوماً آخرین شهدوا علیه بعد ما خولط أنّه قتله، فقال: ان شهدوا علیه أنّه قتله حين قتله و هو صحیح لیس به عله من فساد عقل، قتل به، و ان لم يشهدوا علیه بذلک و كان له مال يعرف دفع إلى ورثه المقتول الدیه من مال القاتل و إن لم یکن له مال اعطى الدیه من بیت المال و الیبتل دم امریء مسلم؛ (حرعاملی ۱۴۰۹، ج ۲۹، ۷۲). برید بن معاویه می گوید از امام باقر (ع) در مورد مردی سؤال شد که دیگری را عمداً کشته و حد بر او اجرا نمی شود و شهادت علیه او اقامه نمی شود، تا این که دیوانه می گردد. پس از دیوانگی او، عده ای علیه او شهادت می دهند که او مقتول را کشته. امام علیه السلام فرمود: اگر آنان علیه او شهادت داده اند که او هنگام به قتل رساندن، سالم بوده و بیماری ای از قبیل فسادعقل نداشته، کشته (قصاص) می شود و اگر به این امر شهادت ندهند و قاتل، مال شناخته شده ای داشته باشد، دیه از مال قاتل به ورثه مقتول پرداخت می شود و اگر مالی نداشته باشد، دیه از بیت المال پرداخت می شود و خون شخص مسلمان پایمال نمی شود. مجهول بودن خضر صیرفی در سند این روایت، آسیبی به اعتبار آن نمی رساند؛ چون مشایخ ثلثه کلینی، صدوق، شیخ طوسی آن را در کتاب هایشان روایت کرده اند و حسن بن محبوب نیز از اصحاب اجماع است.

مباحث فقهی و حقوقی جنون در فقه به معنای دیوانگی به کار می رود. منابع فقهی متقدم، چه شیعه و چه اهل سنت، کمتر به تعریف دقیق جنون پرداخته و ظاهراً مفهوم عرفی آن را آشکار می دانسته اند (شافعی، ج ۲، ۱۴۰۳ ص ۱۹۴).

جرجانی از قاضی ابویوسف نقل کرده که جنون، تباهی خرد است، به گونه ای که آدمی از

روند عادی و خردمندانه گفتار و رفتار، جز موارد نادر، باز ماند. کسانی آن را اختلال در قوه تشخیص خوب و بد نیز دانسته‌اند شیخ طوسی مجنون را با تعبیر «زائل العقل» تعریف کرده است (طوسی ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۶، ۱۲۸، ج ۴: ۱۹۴).

سیوطی از ابواسحاق شیرازی نقل کرده که جنون به معنای زوال عقل است، یعنی تباه شدن قوه تشخیص امر شایست از ناشایست، به گونه‌ای که غالباً امید به بهبود آن وجود ندارد (ص ۲۳۳).

فقیهان و مؤلفان اهل سنت دوره معاصر نیز جنون را همانند فقهای گذشته تعریف کرده‌اند که با نوعی ابهام آمیخته است (زحیلی، ۱۴۰۴ ج ۴: ۱۲۷).

فقیهان اهل سنت، با استناد به آیاتی نظیر آیه ۴۲ سوره اعراف و آیه ۶۲ سوره مؤمنون (لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا: ما هیچکس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌کنیم) و احادیث دال بر سلب تکلیف از مجنون (بخاری، ۱۴۰۱ ج ۸: ۲۱؛ ابن بابویه، ج ۴: ۱۱۵)، یکی از شروط تکلیف را عقل دانسته‌اند؛ از این رو، کارهای عبادی (مانند وضو، نماز، حج، روزه و اعتکاف) بر مجنون واجب نیست و اگر وی آنها را انجام دهد، صحیح به شمار نمی‌رود و حتی بر اعمال او پاداشی مترتب نمی‌شود (حلی، ج ۱، ص ۱۷، ۱۹۷، ۲۰۲، ۲۲۴-۲۲۵؛ مغنیه، ۱۴۰۴، ص ۳۳، ۱۵۰-۱۵۱، ۲۲۵؛ زحیلی، ۱۴۰۴ ج ۱، ص ۲۳۷، ۵۶۸، ج ۲، ص ۱۳۲، ۱۳۲، ۶۱۲، ۷۲۱، ج ۳، ص ۲۰).

به نظر مشهور اهل سنت، جز شماری از حنفیان، جنون هر یک از دو طرف عقد نکاح، موجب حق فسخ برای طرف دیگر عقد می‌شود (زحیلی، ج ۷، ص ۳۵۳، ۵۱۴، ۵۱۷).

مجنون صلاحیت مناصب و کارهایی چون قضاوت، قیمومت، احسان، اقامه دعوا، شهادت، اقرار، سوگند و عفو در قصاص را ندارد (محقق حلی، ج ۳، ص ۱۵۲، ج ۴، ص ۱۰۶، ۱۲۶؛ زحیلی، ج ۶، ص ۴۷، ۲۸۸، ۵۱۱، ۵۵۸، ۶۱۷، ۷۷۸-۷۷۹). همچنین، با توجه به احادیث، فقها در باره فقدان مسئولیت کیفری برای مجنون در مورد رفتارهایی مانند زنا، قذف (نسبت دادن فحشا به کسی)، سرقت و ارتداد اتفاق نظر دارند و قصاص و حدود در مورد مجانین اجرا نمی‌شود (محقق حلی، ج ۴، ص ۱۶۴، ۱۷۲، ۲۱۵، ۹۴۱؛ زحیلی، ج ۶، ص ۲۳، ۲۷، ۳۶، ۷۷، ۱۰۱، ۱۸۴، ۲۶۵).

جنون از دیدگاه متفکران شیعه

فقه امامیه مجنون را در ردیف کودک قرار داده و برای همه گونه تصرف های او، گفتار یا کردار (= قول و فعل) ارزشی قائل نشده و آثار حقوقی بار نکرده است مانند: نکاح، طلاق و وقف.

و نیز در فقه امامیه جنون مانع درستی عبادت ها شمرده می شود. در این زمینه روایاتی از امامان (ع) رسیده که فقیهان در بحث های مربوط به عبادات بدان ها پرداخته اند.^۱ اما از مجموع این روایت ها، به همراه اجماع و سیره عقلا به دست می آید که مجنون از انجام تکلیف های عبادی معاف است. چون شرط و رکن مهم واجب بودن عبادت درستی عقل است. نراقی درباره نکاح مجنون و مجنونه می نویسد:

لايجوز تزويج فاسد العقل لسفه او جنون ذكراً كان أو أنثى مع البلوغ بغير ولي...^۲
و در جای دیگر می نویسد: يشترط في العاقد سواء كان أحد الزوجي أو وكيله أو وليه الكمال بالبلوغ والعقل. فلايجوز عقد الصبي، ولاالمجنون في حال جنونه.^۳

همچنین یکی از شرط ها و ویژگی های جاری کننده عقد چه یکی از زوجین باشد یا وکیل یا ولی آن دو کمال عقل و بلوغ است. بنابراین عقد کودک و مجنون درست نیست. به اعتقاد فقهای امامیه صیغه هایی که در عقد نکاح از مجنون صادر می شود ارزش و اعتبار شرعی ندارد لیکن ولی زن و مرد دیوانه حق دارد بنابه حق ولایت خود بر آنان در صورت نیاز برای آنان همسر برگزیند و خود صیغه عقد نکاح را جاری سازد و اگر مصلحت دید که این پیوند گسسته شود خود می تواند طلاق را جاری سازد.^۴

فقها در خصوص عدم سقوط حد در صورت حدوث جنون، روایتی است که از امام باقر (ع) نقل شده است. ایشان می فرمایند: اگر درحالی که عاقل بوده است مستحق حد گردیده و سپس مجنون شده است، باید حد بر او جاری گردد، هر حدی که بوده

۱. مستند الشیعه ۳۹۹/۱۰

۲. مستند الشیعه، احمد نراقی، ج ۱ / ۳۴۰، آل البیت، قم

۳. مستند الشیعه، ج ۱۰ / ۹۹

۴. مستند الشیعه، ج ۱۰ / ۱۳۴

باشد (انصاری، ۱۳۸۵). همچنین در ارتباط با حکم قتل مجنون ادواری در حین جنون جوادی آملی (۱۳۹۵) می‌فرماید: کسی که قصاص نمی‌شود قتل او سبب قصاص نخواهد بود و چون مجنون اگر عمداً کسی را بکشد قصاص نمی‌شود بنابراین قتل او سبب قصاص نخواهد شد. ۲- اگر عاقل مجنون اطباقی یا ادواری در حال جنون را بکشد قصاص نمی‌شود. ۳- اگر عاقل مجنون را در حال جنون بکشد باید دیه را به وارث مقتول بپردازد. ۴- در تمام موارد یادشده باید با اذن نظام اسلامی باشد.

در میان فقیهان امامیه محقق نراقی به مسأله بیماران روانی و احکام آنان توجهی ویژه داشته و پرداختن به این مقوله را از مسائل مهم فقه قلمداد کرده است (نراقی، ۱۳۷۵). این فقیه ژرف اندیش در مقاله ای مستقل در کتاب عوائدالایام به این مقوله پرداخته و گوشه ای از زوایای تاریک آن را روشن کرده است. وی اختلال های روانی را در دو طبقه: سفاهت و جنون جای داده و پس از ارائه تعریفی از این دو به بیان احکام دچارآمدگان به این دو بیماری پرداخته است. ملا احمد نراقی جنون را این گونه تعریف می‌کند: **الجنون علی ما یظهر من کتب الاطباء و کلماتهم لیس علماً لمرضٍ مشخص معین بل هو اسم لجمیع الامراض الدماغیة الباعثة لاختلال العقل و فساد و یعبرون عنها بفساد العقل.** **والمراد بفساد العقل: أعم من أن یكون الفساد فی نفس القوّة العاقلة أو فی قواها الخادمة لها کالمفکرة و المخیلة و غیرها و لها انواع مختلفة و آثار متشعبة متفاوتة و من هنا قبل الجنون فنون...** (نراقی، ۱۳۷۵).

کاشف الغطاء می‌نویسد: **والظاهر أنّ للمجنون مراتب فقد یعقل معه اوقات الصلوة أو غیرها من عقاید او غیرها فیختلف تکالیفه باختلاف أحواله فی وجه قوی.**

به ظاهر برای فرد عقل از دست داده و دیوانه مرتبه هایی وجود دارد. زمان نماز و غیر آن را می‌فهمد و عقاید و غیر آن را درک می‌کند و گاه نمی‌فهمد و درک نمی‌کند. بدین سبب بنابر رأی و نظر قوی حکم ها و تکلیف های دیوانگان با توجه به درجه جنون فرق می‌کند. از فقهای معاصر نیز شماری چون آقایان: خوانساری گلپایگانی به این مسأله اشاره کرده اند.

محقق نراقی بیماری جنون را یک نوع بیماری ویژه با نشانه های بالینی روشن نمی‌داند.

نراقی جنون را بر دسته گسترده ای از آشفتگی ها و اختلال های روانی اطلاق کرده است که منشأ آن فساد عقل است. به دیگر سخن در دیدگاه ایشان هر شخصی را که به آشفتگی های فساد عقل دچار آمده باشد در دایره جنون قرار می گیرد. در حقیقت نراقی فساد عقل را سرچشمه بیماری جنون می داند. در تعریف فساد عقل می نویسد: **و المراد بفساد العقل: أعم من أن يكون الفساد في نفس القوة العاقلة أو في قواها الخادمة لها كالمفكرة و المخيلة و غیرهما.**^۱ و در جای دیگری می نویسد: و بالجملة فساد العقل بأقسامه هو الجنون، و المتصف به هو المجنون.

جنون در تفاسیر قرآنی

جنون، از ماده جن، در اصل به معنای پنهان ماندن چیزی از حس است. به انسان دیوانه از این جهت مجنون می گویند که چیزی میان عقل و نفس او مانع می شود و عقل او را می پوشاند است.^۲

قرآن به هر دو دسته از عوامل جسمی و اعتقادی توجه داشته است. در ادبیات اسلامی و فرهنگ قرآنی با بیماری هایی مواجه هستیم که از آن به بیماری جنون یاد می شود. هر چند که این تعبیر فراگیر است و به گونه ای با آن رفتار شده که گویی بیماری های روانی برخاسته از عوامل جسمی را نیز شامل می شود ولی در حقیقت در گذشته تنها به بیماری هایی اطلاق می شد که برخاسته از عوامل اعتقادی بوده است؛ زیرا در طب و پزشکی کهن از بیماری های روانی با خاستگاه جسم به مالخولیا یاد می کردند. جنون از ماده جن در اصل به معنای پنهان ماندن چیزی از حس است (مفردات راغب ص ۲۰۳). به انسان دیوانه از این جهت مجنون می گویند که چیزی میان عقل و نفس او مانع می شود و عقل او را می پوشاند. (همان ص ۲۰۵). قرآن برخی از عواملی که موجب می شود تا شیطان امکان و قدرت چنین تصرفی را در انسان بیابد مورد تأکید و توجه قرار می دهد تا انسان با دوری از آن ها خود را از شر شیطان و جنون رها سازد. از مهم ترین عوامل می توان به رباخواری اشاره کرد که زمینه تصرف شیطان را فراهم می آورد. در حقیقت حرام خواری و

۱. عوائد الایام ۵۱۳

۲. اصفهانی، راغب، مفردات، ص ۲۰۳، جن

ربا خواری زمینه بسیار مساعدی برای جنون است (بقره آیه ۲۷۵) در حقیقت اندیشه و بینش خاص موجب می‌شود تا این گونه در معرض خطر جنون قرار گیرد. شیطان با نفوذ بر عقاید و اندیشه‌های افراد و وسوسه کردن آنان زمینه تحیر و جنون افراد را فراهم می‌آورد و نمی‌گذارد تا شخص در سلامت شخصیت خود باقی بماند (انعام آیه ۷۱). برای جنون نشانه‌هایی است که افسردگی یکی از آن‌هاست. شخصی که دچار جنون است در حالت عادی به سر نمی‌برد. تحیر و سرگردانی در کارها و انتخاب‌ها از نشانه‌های دیگر آن است (انعام آیه ۷۱) و پریشانی خاطر وی را رنج می‌دهد (همان) گفتن سخنان یاوه و بیهوده و انتساب و ارتباط با موجودات فرابشری از نشانه‌های دیگری است که قرآن بیان می‌دارد. در مورد تفسیر احکام جنون در قرآن املای اسناد دین و مبادلات اقتصادی از سوی دیوانه، فاقد اعتبار است.

يا ايها الذين آمنوا اذا تدانتم بدين الى اجل مسمى فاكتبوه وليكتب بينكم كاتب بالعدل ولا ياب كاتب ان يكتب كما علمه الله فليكتب وليملل الذي عليه الحق وليتق الله ربه ولا يبغض منه شيئا فان كان الذي عليه الحق سفيها او ضعيفا او لا يستطيع ان يمل هو فليملل وليه بالعدل...؛^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که بدهی مدّت‌داری (به خاطر وام یا داد و ستد) به یکدیگر پیدا کنید، آن را بنویسید و باید نویسنده‌ای از روی عدالت، (سند را) در میان شما بنویسد و کسی که قدرت بر نویسندگی دارد، نباید از نوشتن همان طور که خدا به او تعلیم داده خودداری کند، پس باید بنویسد، و آن کس که حق بر عهده اوست، باید املا کند، و از خدا که پروردگار اوست بپرهیزد، و چیزی را فروگذار ننماید و اگر کسی که حق بر ذمه اوست، سفيه (یا از نظر عقل) ضعیف (و مجنون) است، یا (به خاطر لال بودن)، توانایی بر املا کردن ندارد، باید ولی او (به جای او)، با رعایت عدالت، املا کند و دو نفر از مردان (عادل) خود را (بر این حق) شاهد بگیرید و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن، از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند، انتخاب کنید (و این دو زن، باید با هم شاهد قرار گیرند)، تا اگر یکی انحرافی یافت، دیگری به او یادآوری کند. و شهود نباید به هنگامی که آنها را (برای شهادت)

دعوت می کنند، خودداری نمایند و از نوشتن (بدهی خود)، چه کوچک باشد یا بزرگ، ملول نشوید (هر چه باشد بنویسید) این، در نزد خدا به عدالت نزدیکتر، و برای شهادت مستقیم تر، و برای جلوگیری از تردید و شک (و نزاع و گفتگو) بهتر می باشد؛ مگر اینکه داد و ستد نقدی باشد که بین خود، دست به دست می کنید. در این صورت، گناهی بر شما نیست که آن را بنویسید. ولی هنگامی که خرید و فروش (نقدی) می کنید، شاهد بگیرید و نباید به نویسنده و شاهد، (به خاطر حقگویی)، زیانی برسد (و تحت فشار قرار گیرند) و اگر چنین کنید، از فرمان پروردگار خارج شده اید. از خدا پرهیزید و خداوند به شما تعلیم می دهد؛ خداوند به همه چیز داناست. از «ضعیفا» در آیه یاد شده «ضعیف العقول» یا «مجنون» است. چنان که جمله «لا یستطیع ان یمل» نیز مجنون را شامل می شود (طبرسی، ۱۴۱۵: ۴۲۰).

هر گاه کسی که حق بر ذمه او است (بدهکار) سفیه یا (از نظر عقل) ضعیف (و مجنون) باشد و یا (به خاطر لال بودن) توانایی بر املاء کردن ندارد، باید ولی او املاء کند (فان کان الذی علیه الحق سفیها او ضعیفا او لا یستطیع ان یمل هو فلیملل ولیه). بنابراین در مورد سه طایفه، ولی باید املاء کند، کسانی که سفیه اند و نمی توانند ضرر و نفع خویش را تشخیص دهند و امور مالی خویش را سر و سامان بخشند (هر چند دیوانه نیستند) و کسانی که از نظر فکری ضعیف اند یا مانند کودکان کم سن و سال و پیران فرتوت و کم هوش یا دیوانه ها و افراد گنگ و لال، و یا کسانی که توانایی املاء کردن را ندارند هر چند گنگ نباشند. از این جمله احکام دیگری نیز به طور ضمنی استفاده می شود، از جمله ممنوع بودن تصرفات مالی سفیهان و ضعیف العقولها و همچنین مساله جواز دخالت ولی در این گونه امور (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۳۸۵).

نتیجه گیری

بررسی مفهوم جنون در فقه فریقین (اهل سنت و شیعه) به ما کمک می‌کند تا دیدگاه‌های مختلف درباره مسؤولیت کیفری و تأثیر جنون بر رفتار انسانی را درک کنیم. در این تحقیق به مقایسه‌ای از نظرات اهل سنت و شیعه و در مورد جنون پرداخته شده است. در فقه اهل سنت جنون به‌عنوان اختلال عقل و عدم توانایی در درک واقعیت‌ها تعریف می‌شود. در این حالت، فرد نمی‌تواند عواقب اعمال خود را تشخیص دهد و به همین دلیل مسؤولیت کیفری ندارد. در فقه شیعه نیز مشابه است و به معنای اختلال در عقل و درک تعریف می‌شود. فقه شیعه نیز تأکید می‌کند که جنون مانع از مسؤولیت است. در رابطه با مسؤولیت کیفری نیز می‌توان گفت که بر اساس آیات و احادیث، اهل سنت بر این باورند که فرد مجنون مسؤولیت کیفری ندارد. از نظر آنان، عقل شرط اساسی در مسؤولیت است و فقدان آن به دلیل جنون، معافیت ایجاد می‌کند. در فقه شیعه نیز، فرد مجنون به دلیل عدم توانایی در درک عواقب اعمالش، مسؤولیت کیفری ندارد. فقه شیعه نیز بر معافیت مجنون از مجازات تأکید دارد. در رابطه با تشخیص جنون در اهل سنت تشخیص جنون باید توسط متخصصان روانپزشکی صورت گیرد و قضاوت در مورد جنون نباید بر اساس شایعات یا احساسات باشد. در فقه شیعه نیز تأکید می‌شود که تشخیص جنون باید بر اساس نظر کارشناسان انجام شود و باید ارزیابی‌های علمی مورد توجه قرار گیرد. فقیهان مانند ابن حنبل و ابن رشد تأکید دارند که جنون به‌عنوان عاملی معاف‌کننده در نظر گرفته می‌شود. این فقهاء به احادیثی استناد می‌کنند که تأکید بر عدم مسؤولیت مجنون دارند. فقهاء شیعه نیز نظرات مشابهی دارند و در متون فقهی خود به این نکته اشاره می‌کنند که جنون باعث معافیت از مجازات می‌شود. جنون در فقه فریقین به‌عنوان یک اختلال عقلانی شناخته می‌شود که فرد را از درک صحیح و عواقب اعمالش محروم می‌کند. در هر دو مذهب، تأکید بر معافیت فرد مجنون از مسؤولیت کیفری وجود دارد. این رویکرد به عدالت و انسانیت در نظام قضایی کمک می‌کند.

فهرست منابع

۱. اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۸۹) حقوق جزای عمومی (جلد دوم)، چاپ ۲۳. میزان.
۲. ارشادی، علی‌یار، (۱۳۸۴) شرح حقوق مدنی ایران، ص ۲۶۵، تهران، نشر سایه روشن، چاپ اول.
۳. امامی، حسن، (۱۳۷۳) حقوق مدنی، ج ۱، ص ۲۱۰، ج ۱، تهران.
۴. انصاری، قدرت‌اله، محمدجواد انصاری، ابراهیم بهشتی و سیدعلی اکبر طباطبایی. (۱۳۸۵) تعزیرات از دیدگاه فقه و حقوق جزا. چاپ ۱. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۵. باریکلو، علی‌رضا، (۱۳۸۷) اشخاص و حمایت‌های حقوقی آنان، ص ۱۷۰، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول.
۶. بوشهری، جعفر، (۱۳۷۹) حقوق جزا: اصول و مسائل، ج ۱، ص ۵۲-۵۳، تهران.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۸) ترمینولوژی حقوق، ص ۶۲۱، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ دهم.
۸. جمعی از مولفان، (بی‌تا)، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، قم: دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول.
۹. حائری، علی، (۱۳۷۶) شرح قانون مدنی، ج ۱، ص ۱۷۴-۱۷۵، تهران.
۱۰. حجتی، سیدمهدی، باری، مجتبی، (۱۳۸۹) قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی. چاپ ۱. دادستان و میثاق عدالت.
۱۱. حجتی اشرفی، غلامرضا، (۱۳۷۹) ایران، قوانین و احکام، مجموعه کامل قوانین و مقررات جزایی، ماده ۵۱، تهران.
۱۲. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹) وسائل الشیعه، قم: موسسه آل بیت علیهم السلام، اول.
۱۳. خالقی، علی، (۱۳۹۳) نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری. چاپ ۱. موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳.
۱۴. زراعت، عباس، (۱۳۸۳) قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، ج ۱، ص ۱۷۱، تهران.
۱۵. سلطانی، مهدی، (۱۳۹۱) حقوق جزای عمومی (جلد دوم) مجرم و مسئولیت کیفری. چاپ ۱. دادگستر.
۱۶. شهیدی، مهدی، (۱۳۷۷) تشکیل قراردادها و تعهدات، ج ۱، ص ۲۵۹، تهران.

۱۷. صادقی، میرمحمد، (۱۴۰۰) حقوق جزای عمومی (جلد دوم) (مسئولیت کیفری)، چاپ ۱. داد گستر.
۱۸. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳) من الیحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم
۱۹. صفائی، سیدحسین و قاسم‌زاده، سیدمرتضی، (۱۳۸۲) حقوق مدنی اشخاص و محجورین، ص ۲۵۳، تهران، انتشارات سمت، چاپ هشتم.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۵) مجمع البیان، ج ۱ - ۲، ص ۲۲۰.
۲۱. عاملی (شهیدثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۳) مسالک الفهم الی تنقیح شرایع السلام، قم: موسسه معارف السلامیه، اول.
۲۲. قضائی، صمد، (۱۳۶۶) پزشکی قانونی، ج ۱، ص ۲۷۴-۳۴۲، تهران.
۲۳. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۱) حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، ص ۳۸، تهران.
۲۴. گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۹) بایسته‌های حقوق جزای عمومی (جلد اول دوم سوم)، چاپ ۲۰. میزان.
۲۵. گلدوست جویباری، رجب، (۱۳۹۳) آیین دادرسی کیفری منطبق با ق.آ.د. ک جدید مصوب ۱۳۹۲. چاپ ۲. جنگل.
۲۶. گودرزی، فرامرز و کیانی، مهرزاد، (۱۳۸۰) اصول طب قانونی و مسمومیت‌ها، ج ۱، ص ۳۹۶-۴۰۵، تهران.
۲۷. گودرزی، فرامرز، (۱۳۷۷) پزشکی قانونی، ج ۲، ۱۶۱۰، تهران.
۲۸. گودرزی، فرامرز، (۱۳۷۷) پزشکی قانونی، ج ۲، ص ۱۶۱۰، تهران.
۲۹. مدنی، سیدجلال‌الدین، (۱۳۸۵) حقوق مدنی، بررسی مشخصات اشخاص و محجورین، ج ۷، ص ۲۹۳، تهران، انتشارات پایدار، چاپ اول.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴) تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۳۸۵، ناشر دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۳۱. میرسعیدی، منصور، (۱۳۹۰) مسولیت کیفری، تهران: نشر میزان.
۳۲. میرکمالی، علیرضا، صالح احمدی، سحر، (۱۴۰۰) قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی (جلد اول)، چاپ ۴. گالوس.
۳۳. نراقی، احمد، (۱۳۷۵) عوائد الایام مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
۳۴. یوسفی، ایمان، (۱۳۹۳) آیین دادرسی کیفری (بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲) (جلد اول)، چاپ ۱. میزان.